

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ارگان رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا/ هاوانا، ۲۹ می ۲۰۲۵
نویسنده: لیل ماریا پیچس هراندز
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۱۲ جون ۲۰۲۵

در راه جمهوری به سبک مارتی، سوسیالیسم یا مرگ



خوزه مارتی گفت: «جمهوری، ملتی است که کلنگ کارگر در دست راست و تفنگ آزادی در دست چپ دارد!»

ضد امپریالیسم مارتی با ویژگی‌های استثنائی خود شناخته می‌شود: نگاه جهانی به «تعالی جهان»، اهمیت قاره‌ای استقلال کوبا و پورتوریکو، و ضرورت یک انقلاب اجتماعی عمیق برای تشکیل و حفظ ملت کوبا. این رویکرد در متن توسعه امپریالیستی ایالات متحده شکل گرفت و تضادهای آتی بین قدرت‌های اقتصادی بزرگ را پیش‌بینی می‌کرد. ویژگی مارتی به عنوان انسانی که بی‌قید و شرط در خدمت مردم خود و جهان بود و به عنوان فردی که شرایط تعیین‌کننده نیازهای تاریخی آن‌ها را تشخیص می‌داد، فضیلت‌هایی هستند که او را در زمره بزرگترین آزادی‌خواهان بشریت قرار می‌دهند.

در یکصد و سی‌مین سالگرد درگذشت او در نبرد، ما پایداری الگوی او، کمال زندگی او و ارزش عملی آثار او، به ویژه اصولی را که باید در مرکز ساختن کوبای آزاد، مستقل و عادلانه باقی بمانند، جشن می‌گیریم.

جمهوری رویانی

پروژه آزادیبخش ملی مارتی علیه استعمار و تمامیت‌خواهی اسپانیا، علیه استبداد، جهل مدنی و سیاسی، عقبماندگی آگاهی و بی‌شرمی بردگی و نژادپرستی، قد علم می‌کند. این پروژه، جنگ مسلحانه، ایجاد یک دولت مستقل و جمهوری دموکراتیک و توسعه زندگی شهروندی در راستای استعمارزدایی فرهنگی را به عنوان ابزارهای اساسی خود داشت. پس از پایان جنگ کوچک در سال ۱۸۸۰ و به ویژه از زمان پایان طرح سان پدرو سولا در سال ۱۸۸۶، فعالیت سیاسی مارتی این امکان را فراهم کرد تا در برابر مهاجران میهن‌پرست کوبائی و همچنین سایر گروه‌های ذینفع در استقلال کوبا، ضرورت ایجاد یک جبهه متحد علیه استعمار اسپانیا در کوبا، و برای وحدت ایدئولوژیک انقلابیون، و همچنین آمادگی سیاسی آن‌ها و مردمی که بزودی آزاد خواهند شد، مشروعیت یابد. تا سال ۱۸۹۲، ایده‌های او توسط اکثر رهبران اصلی مهاجرت به اشتراک گذاشته شد و شرایط برای شکل دادن به یک سازمان سیاسی مسؤول ترسیم مسیرهای جنبش جدید، بر اساس یک چشم‌انداز ارگانیک، بومی و بی‌سابقه از جمهوری برای کوبا، که اساساً مارتی بود، ایجاد شده بود. از جمله محورهای اصلی جمهوری مارتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کامل‌ترین آزادی، حق رأی همگانی و صادقانه؛ کار با دستمزد خوب، آموزش علمی و تربیت اخلاقی و روابط خوب با سایر ملل و حاکمیت مطلق، بدون محدودیت، در برابر ایالات متحده.

عشق، همچون خورشیدی که هست

از ویژگی‌های اخلاقی، جوهر اخلاقی جمهوری به دلیل انسان‌گرایی فوق‌العاده‌اش برجسته است، که با داشتن کرامت کامل انسان به عنوان «قانون اول»، به عنوان «پایه» مشخص می‌شود. برای مارتی، کرامت، اشتیاق «برای آبرومندی انسان» است، و ویژگی‌های بسیار مشخصی دارد تا بتواند پایه و اساس جمهوری باشد: «شخصیت کامل هر یک از فرزندان، عادت به کار با دستان خود و فکر کردن به تنهایی، اعمال کامل خود و احترام، مانند ناموس خانواده، به اعمال کامل دیگران». این تعریف آرمان‌گرایانه نیست، نواقص ذاتی نوع بشر را نادیده نمی‌گیرد، بلکه بر فضیلت بزرگ آن استوار است: توانایی انتخاب آگاهانه برای انجام کار خوب: «(...) ملت‌ها از عشق و نفرت بیشتر از عشق ساخته شده‌اند. فقط عشق، مانند خورشیدی که هست، همه چیز را می‌سوزاند و ذوب می‌کند». برای مارتی، «بهرمندی کامل فردی از حقوق مشروع انسان»، دلیل «سعادت کشور»، دارای یک بعد ژئوپلیتیکی ریشه‌دار است، تا جایی که او به عنوان عوامل نامطلوب برای بهرمندی از این حقوق، نه تنها «بی‌توجهی یا زیاده‌روی کسانی که آن‌ها را اعمال می‌کنند»، بلکه وخامت از دست دادن این فرصت توسط «آنتیل‌های برده» برای «اشغال جایگاه یک ملت در جهان امریکائی، قبل از این که توسعه نامتناسب قدرتمندترین بخش امریکا، سرزمین‌هائی را که هنوز می‌توانند باغ ساکنان آن باشند، و به عنوان ترازوی جهان، به صحنه طمع جهانی تبدیل کند»، شناسائی می‌کند.

اولین آزادی، آزادی ذهن است

جمهوری مارتی بر «تأمین آزادی بشر» و «تیره نکردن طبیعت‌های بکر با تحمیل تعصبات بیگانه؛ قرار دادن آن‌ها در موقعیتی برای انتخاب مفید به تنهایی» استوار است.

در جست و جوی رهایی نه تنها صوری، بلکه مؤثر، مارتی معتقد است که «تا زمانی که آزادی معنوی تضمین نشود، نه اصالت ادبی وجود دارد و نه آزادی سیاسی باقی می‌ماند. اولین کار انسان بازپس‌گیری خود است»، «اولین آزادی، پایه همه چیز، آزادی ذهن است».

در این راستا، دیدگاه او برجسته است: «کسی که آزادی را دوست دارد، پیش‌بینی‌کننده و پرانرژی است، انقلاب را دوست دارد. کسی که با آن مبارزه می‌کند، به برانگیختن طوفانی در کوبا، پر از مردان فروتن و مردانه، کمک می‌کند که در جریان‌های جهان مدرن، باید تقسیم یک ملت (...) به طبقه اشرافی – در کوبا بسیار خنده‌دار – و اکثریتی که با بی‌عدالتی یا تحقیر رفتار می‌شود، را برانگیزد (...) با نام‌های استقلال یا سایر نام‌های صرفاً سیاسی خود را گول نزیم. احزاب سیاسی هیچ هستند اگر شرایط اجتماعی را نمایندگی نکنند. از یک سو در کوبا، ملبس به اشرافیت، عادت به دستاورد ناعادلانه و تحقیر، گاهی وحشیانه، انسان فروتن وجود دارد (...) از سوی دیگر، آرزوی سوزان و تسخیرناپذیر برای آزادی، خوب و صادقانه، که تنها پایه محکم صلح و کار است، وجود دارد».

ثروتی که خلق می‌شود

در راستای اخلاق و الگوی ایدئولوژیک خود، در جوهر اجتماعی-اقتصادی جمهوری مارتی، تبعیت رفاه مادی از ایجاد شرایط مطلوب برای تحقق کامل معنوی فرد و جمع، و همچنین ارزش‌گذاری کار به عنوان مرکز تولیدکننده تمام ثروت وجود دارد: «فقط ثروتی که خلق می‌شود و آزادی که با دستان خود به دست می‌آید، ماندگار است و برای خیر است!». به همین ترتیب، صلح به عنوان حالت وجود، همزیستی و تعادلی در نظر گرفته می‌شود که هر دولتی باید برای تقویت توسعه و تضمین عدالت خود به آن آرزو کند. حتی جنگ، راه حل نهایی، که در مورد کوبا ضروری است، مارتی آن را به عنوان وسیله‌ای برای صلح تصور می‌کند. جنگی که توسط حزب انقلابی کوبا رهبری می‌شود، که از جمله دلایل دیگر، «برای بنیان‌گذاری یک میهن واحد، صمیمی و زیرک تأسیس شده است، که از کارهای مقدماتی خود، و در هر یک از آن‌ها، خود را برای نجات از خطرات داخلی و خارجی که آن را تهدید می‌کنند، و بی‌نظمی اقتصادی که در آن جان می‌دهد را با یک نظام مالی عمومی جایگزین می‌کند که بلافاصله کشور را به روی فعالیت‌های متنوع ساکنان خود باز می‌کند».

از دیدگاه اقتصادی، این مفهوم مارتی به یک مدل عادلانه توزیع منابع ملی پاسخ می‌دهد و ویژگی اساسی آن، سازگاری خاص عوامل تولید کار، زمین و سرمایه، با در نظر گرفتن ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی کوبا و همچنین نیازهای آن است.

با در نظر گرفتن زمین و کار به عنوان تنها منابع واقعی ثروت، که برای تولید در راستای رفاه اجتماعی قرار داده شده‌اند، اندیشه اقتصادی مارتی در ریشه‌های یک مفهوم اصیل کوبائی از توسعه پایدار قرار دارد.

یکی دیگر از ویژگی‌های اساسی اندیشه اقتصادی مارتی، رابطه ناگسستگی بین توسعه پایه‌های اقتصادی و توسعه تمام حوزه‌های دیگر زندگی در جامعه است. مفهومی که با هشدارهای اساسی، به ویژه روند ساختن یک جمهوری معتبر و بدون شک منحصر به فرد در جهان مشخص می‌شود.

با پایه‌های قانونی محکم

ویژگی اصلی اجتماعی-سیاسی جمهوری مارتی، بدون شک، دستیابی به یک شکل دموکراتیک حکومت است. از این مفهوم او، شش عنصر برجسته می‌شود: احترام به شخص انسان و تمام حقوق او، ارزش وحدت اندیشه، نقش سازنده انتقاد و مخالفت، اهمیت مبارزه با نخبگان و امتیازات آن‌ها، وجود محدودیت‌های اخلاقی در ماهیت فراگیر جمهوری، و ضرورت یک مفهوم اصیل از حکومت، که به ویژه برای برآوردن نیازهای خاص کوبا طراحی شده و دارای پایه‌های قانونی محکم است.

تقدس وجود هر کوبائی

از نظر مارتی، «استقلال یک ملت در احترامی است که قدرت‌های عمومی به هر یک از فرزندان نشان می‌دهند»، که این امر مستقیماً با منافع ملی مرتبط است، زیرا مدیریت قدرت باید «به گونه‌ای هدایت شود که به وجود هر کوبائی به عنوان یک شخص مقدس احترام گذاشته شود، و تشخیص داده شود که در امور کشور، اراده‌ای جز آنچه کشور ابراز می‌کند وجود ندارد، و نباید به منافعی جز منافع آن فکر کرد».

وحدت اندیشه، نه بردگی عقیده

از نظر آپوستول [مارتی]، «وحدت اندیشه، که به هیچ وجه به معنای بردگی عقیده نیست، بدون شک شرطی ضروری برای موفقیت هر برنامه سیاسی و هر نوع تلاشی است، به ویژه آنهایی که به دلیل قدرت، تازگی و فرصت اندیشه، بیشتر از زمانی که بدون هیچ هدفی جز شور و شوق یا میل بی‌نظم پیش می‌روند، به موفقیت نزدیک می‌شوند (...).».

بررسی و مشورت دائمی و آگاهانه

در رابطه با نقش انتقاد، شایسته است یکی از برجسته‌ترین متون او نقل شود: «ملت‌ها باید با انتقاد از یکدیگر زندگی کنند، زیرا انتقاد، سلامتی است؛ اما با یک قلب و یک ذهن. تا پای افراد بدبخت پائین بیایید و آنها را در آغوش خود بالا ببرید! با آتش قلب، امریکای لخته‌شده را ذوب کنید! خون طبیعی کشور را، با جوش و خروش و جهش، در رگ‌ها جاری کنید!».

نقشی که مارتی برای اپوزیسیون در یک جمهوری عادلانه متصور است، جلب توجه می‌کند، جایی که «دولت، آبروی میهن است، و میهن نباید در میان فرزندان خود دشمن داشته باشد». در این راستا، مارتی معتقد است که، «اگر دولت اشتباه می‌کند: به او هشدار داده می‌شود، اشتباه به او نشان داده می‌شود، راه حل به او گوشزد می‌شود، با او استدلال و برایش توضیح داده می‌شود؛ – نیت‌ها تحریف نمی‌شوند، حقایق جعل می‌شوند، تصمیماتی که وجود ندارند ساخته می‌شوند، و مخالفان برای حمله به یک دولت موجود، – عیب‌های کوچک آن را بزرگ می‌کنند، یا به دلخواه خود یک دولت معیوب ایجاد می‌کنند که محکوم کردن و مبارزه با آن آسان است». نباید مخالفت دائمی وجود داشته باشد؛ باید بررسی و مشورت دائمی و آگاهانه وجود داشته باشد. بدون این بزرگی اندیشه، هیچ‌کس نباید آرزوی احترام عمومی، سلطه محکم و پایدار داشته باشد».

او در عین حال وجود «... نیازهای زندگی را تشخیص می‌دهد، که در ملت‌های نوپای ما، مردان دارای فرهنگ بی‌فایده را مجبور به مشاغل انگلی یا مخالفت ذینفع می‌کند (...).» و هشدار می‌دهد که «هیچ مردی شایسته‌تر از کسانی نیست که از دفاع شرافتمندانه از میهن خود شرم‌منده نیستند: و هیچ فردی حقیرتر از کسانی که از تشنج‌های عمومی برای خدمت به شهرت شخصی خود مانند یک زن عشوهر گر، یا پیشبرد منافع خصوصی خود مانند قماربازان استفاده می‌کنند».

در این راستا، مارتی از یک زندگی میهنی که «نفرت را تکیه‌گاه خود» قرار می‌دهد، «فراموشی ناشایست توهین‌ها»، و همزیستی با «سانسور گریزان و سالخورده» «ستمگرانی که [میهن را] تحت فشار قرار می‌دهند»، «متکبرانی که سلطه بیگانه را به تقسیم عدالت بین خودی‌ها ترجیح می‌دهند! – و ترسوها، که مسئولان واقعی استبداد هستند!» انتقاد می‌کند.

به کارگیری شرافتمندانه تمام انرژی‌ها

درک این تنوع بزرگ پایه‌های اجتماعی با پتانسیل انقلابی، مستقیماً بر تصور مارتی از نخبگان تأثیر می‌گذارد، همان گروه‌هایی که باید با انقلاب مخالفت کنند یا به دنبال جایی برای خدمت به آن باشند. در این مورد، طراحی پنج پایه اصلی برنامه‌ای که مارتی در اوایل دسامبر ۱۸۸۷ به ماکسیمو گومز ارائه کرد، جلب توجه می‌کند، که در آن به او پیشنهاد می‌کند «بنیاد یک کمیسیون اجرایی موقت برای سازماندهی مبارزه جدید»، و این کمیسیون، از جمله اهداف خود، «متحد کردن تمام مهاجرت‌ها با روحیه دموکراتیک و در روابط برابر؛ جلوگیری از این که همدردی‌های انقلابی در کوبا به دلیل هیچ منفعت گروهی، برای برتری یک طبقه اجتماعی، یا اقتدار بی‌اندازه یک گروه نظامی یا مدنی، یا یک منطقه معین، یا یک نژاد بر نژاد دیگر، منحرف و به بردگی کشیده شوند».

نمونه برجسته دیگر، سخنرانی بنیادین او است که به عنوان «با همه و برای خیر همه» شناخته می‌شود. جنگی که آماده می‌شود، «در این فداکاری جدید، به دنبال شکل‌های صرف، یا تداوم روح استعماری در زندگی ما، با نوآوری‌های یونفرم یانکی نیست، بلکه به دنبال جوهر و واقعیت یک کشور جمهوریخواه متعلق به خودمان، بدون ترس بزدلانه عده‌ای از ابراز سالم همه ایده‌ها و به کارگیری شرافتمندانه تمام انرژی‌ها (...) است. مطمئناً سیاست‌بازان خودنما که فراموش می‌کنند چگونه باید روی چیزی حساب کرد که نمی‌توان آن را حذف کرد، ما را رها خواهند کرد (...)».

مارتی در همین سخنرانی، شرایطی را تحلیل می‌کند که در آن، همه ایده‌ها و همه انرژی‌ها می‌توانند گنجانده شوند. او در آن، «افراد خوش‌تیپ» که انقلاب را تحقیر می‌کنند، «المپ‌نشینان کاغذباز» و «فرصت‌طلبان» – کسانی که از موقعیت‌های بحرانی و جهل مردم به نفع خود استفاده می‌کنند و با جناحی که بیشترین نفوذ و سود را برایشان دارد متحد می‌شوند –، چاپلوسان پوپولیست، عوام‌فریبان، و به ویژه کسانی که به دنبال بی‌اعتبار کردن جنگ و نشان دادن آن به عنوان «اقدامی وحشیانه و خونین» هستند، و همچنین بذر اختلاف و تفرقه می‌پاشند، را محکوم می‌کند.

او در سخنرانی استثنائی دیگری که روز بعد ایراد کرد، «با سپاسگزاری وصف‌ناپذیر، به عنوان نمادی مرموز از قدرت میهن، از قدرت پنهان و مطمئن روح کریولو، کسانی را درود می‌فرستد که با اولین صدای مرگ، با لبخند، از دلبستگی و بزدلی زندگی مشترک، به قهرمانی مثال‌زدنی صعود کردند».

به عنوان بیان این اندیشه دموکراتیک غنی، یکی از مهم‌ترین مشارکت‌های خوزه مارتی، ایجاد حزب انقلابی کوبا در سال ۱۸۹۲ بود. مارتی با پایه‌ها و اساسنامه‌های حزب، به دنبال جلوگیری از تکرار اشتباهات مراحل قبلی مبارزه، و «از ریشه نجات کوبا از خطرات اقتدار شخصی و اختلافات، که به دلیل عدم مداخله مردمی و عادات دموکراتیک در سازماندهی آن، اولین جمهوری‌های امریکائی در آن سقوط کردند»، به عنوان یکی از اهداف اساسی خود بود.

تشکیل میهن با اشکال عملی

مطالعه اشتباهات قبلی، و همچنین ترس‌ها و تعصبات موجود، به مارتی این امکان را داد تا درک کند که «میهن باید از ریشه‌های خود با اشکال عملی و متولد شده از خود تشکیل شود، به گونه‌ای که یک دولت بدون واقعیت و تحریم، آن را به طرفداری یا استبداد سوق ندهد».

مارتی با این هدف، در حوزه قانونی، ظرفیت شکل دادن به استقلال، «تجسم روح جدید» و ریختن «بنیان‌های یک ملیت زنده و باشکوه» را می‌یابد، بنابراین می‌توان ویژگی‌های قوانین جمهوری جدید را در متون مختلف، مانند «قوانین جدید» (۱۸۷۷) و «نامه‌های مارتی: تاریخ سقوط حزب جمهوریخواه در ایالات متحده و صعود حزب دموکرات به قدرت. – پیشینه‌ها، تحولات و اهمیت کنونی احزاب...» (۱۸۸۵) شناسایی کرد.

برای افراد نیکوکار در هر عرض جغرافیایی، اندیشه‌های استاد، سلاحی رهائیبخش و نقطه‌ای اساسی در تلاش بزرگ انسانی است: دستیابی به تعادل جهان.

در سطح ملی، در اینجا در کوبا، تفکر در مورد اصول ریشه‌دار اندیشه و الگوی مارتی، فرصتی برای کشف مجدد او به عنوان یک انقلابی رادیکال، معاصر و جهانی، در مواجهه با دشواری‌های فوری است که در زمان خود با آن روبه‌رو بود، و امروزه همچنان بشریت ما را تهدید می‌کند.